



## نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفر جایگزین زندان

قسمت دوم

دکتر محمد صالح ولیدی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

شرح دومین مبحث؛ اهداف تعلیق و مجازاتهای قابل تعلیق؛

نهاد تعلیق اجرای مجازات نیز مانند هر تاسیس حقوقی دیگری برای تحقق بخشیدن به اهداف خاصی، قانونگذاری شده است؛ علاوه بر این همان گونه که قبلاً اشاره شد همه مجازاتها قابل تعلیق نیستند چون قانونگذار برحسب نوع جرایم و مجازاتهای آنها در اعطای این ارفاق قانونی محدودیتهایی قائل شده است که در این مختصر بدان می پردازیم.

گفتار اول؛ اهداف تعلیق مجازات؛

۱ - جلوگیری از تأثیر سوء مصاحبت مجرم با زندانیان سابقه دار؛ به جرات می توان ادعا کرد که مهمترین هدف تعلیق اجرای مجازات، اینست که دادگاه با صدور حکم تعلیق، مانع ورود مجرم به محیط جرم زای زندان گردد و با این کار عملاً مجرم را از فراگیری رفتارهای مجرمانه در شرایط نامساعد زندان (بر اثر تماس با مجرمین سابقه دار) دور می کند و این امر نه تنها در تهنید اخلاق و تربیت و وضعیت روحی و روانی مجرم می تواند مؤثر باشد بلکه زمینه تکرار جرم را در نزد این قبیل مجرمین به حداقل می رساند.

۲ - کمک به مجرم برای اجتماعی شدن و بازگشت به زندگی عادی در جامعه؛ یکی دیگر از هدفهای تعلیق اجرای مجازات، ابراز عطوفت و ارفاق به مجرم از طریق تهدید به اجرای مجازات در آینده ای است که بیش از خود مجازات در رفتار مجرم - در مدت تعلیق - می تواند مؤثر باشد، چنانکه در فرصت مناسبی برای مجرم در نظر گرفته می شود و او با اتخاذ رفتار مناسب، آمادگی خود را برای بازگشت به زندگی عادی در جامعه به اثبات می رساند و از مزایای معافیت از مجازات نیز بهره مند می شود.

۳ - صرفه جویی در هزینه های زندان و استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین؛ تعلیق اجرای مجازات مجرم از طرف دادگاه، مشروط است به اینکه مجرم در ایام تعلیق، مرتکب جرم دیگری نشود تا از اجرای مجازات معاف گردد. این امر نه تنها باعث کاهش هزینه های نگهداری زندانی می گردد بلکه چون مجرم در زمان استفاده از تعلیق پیشه و شغل معین خود را از دست نداده و به کار و فعالیت اجتماعی خود ادامه می دهد، در نتیجه هم او و هم جامعه، از عملکرد اقتصادی و عملی وی، بهره مند خواهند شد.

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می توان نتیجه گرفت که اعطای تعلیق به مجرم، بدین ترتیب که زمینه تأخیر در اجرای مجازات را فراهم می نماید، فرصت مناسبی در اختیار محکوم قرار می دهد تا با پیروی و اطاعت از قواعد و مقررات اجتماعی، پای بندی خود را به اجرای نظامات اجتماعی به اثبات برساند و این امر متضمن فواید فردی و اجتماعی است زیرا در این مدت، مجرم با بهره مند شدن از آزادی در خارج از زندان می تواند از نیروی کار و خلاقیت خویش استفاده نماید. علاوه بر آن، این ارفاق قانونی باعث جلوگیری از تأثیر سوء معاشرت و مصاحبت مجرم با مجرمین سابقه دار در زندان خواهد شد و از تکرار جرم مجرم در آینده جلوگیری می کند و نیز موجب صرفه جویی در هزینه ها و مخارج نگهداری این قبیل مجرمین در زندان خواهد شد.

گفتار دوم؛ مجازاتهای قابل تعلیق ساده؛ مطابق مقررات فصل سوم از باب دوم قانون مجازات اسلامی ناظر به تعلیق ساده اجرای مجازات، همه مجازاتها قابل تعلیق نیستند چون قانونگذار برحسب نوع جرایم ارتكابی مجرم و مجازاتهای آن در اعطای این ارفاق قانونی به شرح مندرج در مواد (۲۵ تا ۳۸)

محدودیت‌هایی قائل شده است که در این مقال، آنها را تحت عنوان شرایط ماهوی و صوری تعلیق مجازات مطرح نموده مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱- شرایط ماهوی تعلیق اجرای مجازات (الف- ۱): از نظر نوع مجازات:

قانونگذار مجازات‌های قابل تعلیق را در ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی، بدین نحو مشخص نموده است: «در کلیه محکومیت‌های تعزیری یا بازدارنده، حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط مندرج در این ماده از دو تا پنج سال معلق نماید». با توجه به ماده فوق این مطلب روشن می‌شود که قلمرو اجرائی اختیار دادگاه در اعطای تعلیق اجرای مجازات به مجرم، به قرار ذیل است:

اولاً- باید جرم از جمله جرایم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده باشد. ثانیاً- محکومیت مجرم به مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده اعم است از اینکه نوع جرم ارتكابی مجرم از جرایم عمدی یا جرایم غیرعمدی، قابل تعزیر یا مجازات بازدارنده باشد. ثالثاً- ارتكاب برخی از صدمات بدنی عمدی موجب قصاص عضو، مانند شکستن یا کندن دندان دیگری که مجازات آن با رعایت شرایط مقرر در قانون، شلاق تعزیری می‌باشد، قابل تعلیق خواهد بود. همین طور ارتكاب زنا موجب حد که با

می‌شوند، صدور حکم تعلیق اجرای مجازات به موجب مندرجات بند "الف" از ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی، مشروط به فقدان سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر است:

- ۱- محکومیت قطعی به حد.
- ۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو.
- ۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی.
- ۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال.
- ۵- سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی یا هر میزان مجازات. (ج- ۱): از نظر وضعیت اجتماعی مجرم: یکی دیگر از شرایط اعطای تعلیق اجرای مجازات که در بند "ب" از ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی، پیش بینی شده، اینست که دادگاه با توجه و در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی و سوابق زندگی مجرم و همین طور، با اوضاع و احوالی که موجب ارتكاب جرم گردیده است، حکم تعلیق صادر خواهد نمود. نکته قابل ذکر در خصوص احراز این شرط اینست که در حال حاضر، تشخیص استحقاق مجرم با رعایت این شرط از طرف دادگاه، غالباً نظری است. با وجود این، چون نهاد تعلیق مجازات اساساً برپایه ارفاق و اغماض استوار می‌شود لذا اعطای آن با توجه به

**اعطای تعلیق به مجرم، بدین ترتیب که (مینه تأخیر در اجرای مجازات را فراهم می‌نماید، فرصت مناسبی در اختیار مجرم قرار می‌دهد تا با پیروی و اطاعت از قواعد و مقررات اجتماعی، پای بندی خود را به اجرای نظامات اجتماعی به اثبات برساند**

تحقیقات اجمالی که دادگاه معمولاً در بررسی وضعیت اجتماعی و سوابق زندگی مجرم به عمل می‌آورد، برای اعطای تعلیق اشکالی ندارد.

(د- ۱): مجازات‌های غیرقابل تعلیق: همان گونه که قبلاً اشاره شد، قانونگذار، محکومیت‌های تعزیری یا بازدارنده را مطلقاً قابل تعلیق اعلام کرده است. منتها چون

چهار بار اقرار نزد حاکم ثابت می‌گردد، اگر مرتکب کمتر از چهار بار اقرار نماید، تعزیر می‌شود که قابل تعلیق خواهد بود. رابعاً- سایر محکومیت‌های تعزیری یا باز دارنده خواه به صورت حبس، خواه شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، قابل تعلیق خواهد بود.

(ب- ۱): از نظر شخص مجرم: در مورد اشخاصی که مرتکب جرم

ارتكاب برخی از جرایم قابل تعزیر به دلیل مخاطرات و لطماتی که به نظم و مصالح عمومی جامعه وارد می‌کنند، محکومیت به این قبیل جرایم را غیرقابل تعلیق می‌شناسد و برای تحقق این هدف، ضمن ماده (۳۰) قانون مجازات اسلامی، مقنن اجرای احکام جزائی زیر را غیرقابل تعلیق اعلام کرده است:

۱- مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحا با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می‌نمایند.

۲- مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشا یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند معمول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می‌شوند.

۳- مجازات کسانی که به نحوی از انحا با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت می‌نمایند.

در اینجا علاوه بر احکام جزائی فوق که به طور صریح در قانون غیرقابل تعلیق می‌باشد، سایر مجرمینی که مشمول قاعده تعدد جرم قرار می‌گیرند، به علت تجاوز مکرر به نظام اجتماعی غیرقابل ارفاق شناخته می‌شوند و سزاوار اعطای تعلیق مجازات نخواهند بود. به همین جهت، مقنن در ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی صریحاً شخصی را که مشمول مقررات تعدد جرم باشد مستحق اعطای تعلیق مجازات نمی‌شناسد. در این ماده آمده است: «مقررات مربوط به تعلیق مجازات، درباره کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می‌شوند قابل اجرا نیست و حتی در صورتی که حکم محکومیت قطعی متعددی علیه یک شخص در مورد جرایم عمدی صادر شده باشد و یکی از این احکام به علت اشتباه و بی‌اطلاعی از وجود سایر جرایم در ضمن رسیدگی معلق شده باشد، این حکم فسخ می‌گردد».

(ه- الف) عدم تأثیر تعلیق بر حقوق الناس: به موجب ماده (۳۱) قانون مجازات اسلامی، چنانچه تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس

## هرگاه مجازات جرم ارتكابی قانوناً مبس توأم با

### هزای نقدی باشد، مبس مزبور قابل تعلیق است ولی تعلیق

#### هزای نقدی توأم با مبس قابل تعلیق نیست.



تعلیق که در ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی، مورد تأکید مقنن قرار گرفته، اینست که دادگاه با توجه به خصوصیات شخصیتی شخص مجرم، در ضمن صدور حکم تعلیق می‌تواند اجرای دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و مجرمی که درباره او قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شده، مکلف به اجرای دستورات دادگاه به ترتیب زیر می‌باشد:

۱- مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود.

۲- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین.

۳- اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی.

۴- خودداری از تجاوز به ارتكاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد.

۵- خودداری از رفت و آمد به محل‌های معین.

۶- معرفی خود در مدت‌های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می‌کند.

به طوری که ملاحظه می‌شود، الزام مجرم به اجرای دستورات ذکر شده، برای معافیت مجرم از مجازات عموماً به منظور اصلاح و تربیت و بازداشتن او از ارتكاب جرم مجدد صورت می‌گیرد.

۳- چگونگی فسخ قرار تعلیق یا اصلاح آن:

همان گونه که قبلاً اشاره شد، مجرمی که حکم محکومیت او معلق شده است، لزوماً باید دستورات دادگاه را در دوران تعلیق رعایت نماید. اما اگر در مدتی که اجرای حکم مجازات او از طرف دادگاه مقرر شده است، مرتکب جرم

باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می‌شود. بنابراین، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات چنانچه بعد از صدور حکم محکومیت مجرم به مجازات، به طور جداگانه صادر گردد فاقد وجهت قانونی و قابل نقض خواهد بود. به علاوه، به موجب ماده (۲۸) قانون مزبور، دادگاه باید جهات تعلیق، موجبات تعلیق و مدت تعلیق بین دو تا پنج سال را در حکم قید نماید، و به مجرم تذکر دهد چنانچه در طول مدت تعلیق مرتکب جرم جدیدی شود مجازات هر دو جرم درباره اش اجرا خواهد شد ولی اگر در مدت تعلیق تخلفی از مقررات جزائی و دستورات دادگاه صورت نگیرد، معافیت مجرم از مجازات قطعی می‌گردد و آثار محکومیت معلق او بی اثر محسوب شده، از سجل کیفری او محو می‌شود.

ضمانت اجرای این امر را قانونگذار در ماده (۳۲) قانون مزبور چنین مقرر داشته است: «هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده، مرتکب جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می‌شود.» (۱)

این نکته را نیز نباید فراموش نمود که تعلیق اجرای مجازات، نه تنها باعث معافیت مجرم از مجازات اصلی خواهد شد بلکه سایر مجازات‌های تکمیلی و تبعی معلق شده او نیز چنانچه از سوی مجرم در طول مدت تعلیق تخلفی از دستور دادگاه نشده باشد و وی مرتکب جرم دیگری نگردیده باشد لغو خواهد شد.

۲- شرایط مربوط به دوران تعلیق اجرای مجازات:

یکی دیگر از شرایط شکلی صدور حکم

همراه باشد، صدور حکم تعلیق تأثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد با پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجرا خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌شود، مقنن به منظور حمایت از صاحبان حق و جبران خسارت متضرر از جرم یا مدعی خصوصی، صدور حکم تعلیق را منوط به پرداخت خسارت مدعی خصوصی کرده است بنابراین، بر فرض صدور حکم تعلیق، در صورتی که محکوم علیه، از رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم مورد حکم امتناع نماید، دادگاه به موجب ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی، در صورت تقاضای محکوم له با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین، حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود و این بازداشت تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت ضرر و زیان به صورت تقسیط ادامه خواهد داشت.

(و-الف) : اقدامات تأمینی قابل تعلیق نیستند:

تعلیق مجازات زمانی قابل قبول است که دادگاه تشخیص دهد که تهدید به اجرای مجازات، موجب احتراز مجرم از ارتكاب جرم می‌گردد و اگر واقعاً امکان زیاد وقوع جرم در آینده، پیش بینی شود و برای این کار در قانون اقدام تأمینی مناسب باشد تعلیق آن با هدف اجتماعی تعلیق سازگار نخواهد بود.



مبحث دوم؛ شرایط شکلی تعلیق و محدوده اجرائی و آثار آن؛

گفتار اول؛ شرایط شکلی تعلیق اجرای مجازات:

۱- نحوه صدور قرار تعلیق و آثار آن: هرگاه دادگاه مجرم را قانوناً مستحق تعلیق مجازات بداند، در محدوده ماده ج (۲۷) قانون مجازات اسلامی، ضمن صدور حکم محکومیت مجرم به مجازات، قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر می‌کند. در این صورت، چنانچه مجرم در بازداشت

جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) است شود، به موجب ماده (۳۳) قانون مجازات اسلامی، تعلیق اجرای مجازات سابق توسط دادگاه صادرکننده تعلیق یا دادگاه جانشین ملغی خواهد شد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجرا گردد.

همچنین به موجب ماده (۳۴) قانون مزبور، هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده (۲۵) بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است، دادستان با استناد به سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه، قرار تعلیق را الفنا خواهد کرد. این اقدام دادگاه را می توان نوعی تصحیح حکم تعلیق اجرای مجازات محسوب نمود.

**گفتار دوم؛ قلمرو اعمال تعلیق مجازات:**  
محدوده اعمال تعلیق اجرای مجازات را با توجه به مقررات فصل سوم از باب دوم قانون مجازات اسلامی و همچنین براساس اصول کلی حاکم بر جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده، می توان به ترتیب زیر مطرح نموده، مورد بررسی قرار داد.

#### ۱- محکومیت به کیفر حبس:

محکومیت به مجازات حبس، یکی از مصادیق بارز جرایم قابل تعزیر است. مجازات حبس در محکومیت‌های تعزیری یا بازدارنده اعم است از حبسهای طولی المدت یا کوتاه مدت، که به هر میزانی که باشد مشمول تعلیق خواهد شد و اختیار دادگاه در این مورد محدودیتی ندارد.

#### ۲- محکومیت به مجازات شلاق مادون حد:

مجازات شلاق مادون حد، که نوعی از محکومیت‌های تعزیری محسوب می شود و بر جسم و جان مجرم تعلق می گیرد، به هر میزانی که باشد قابل تعلیق می باشد.

#### ۳- محکومیت به جزای نقدی:

محکومیت به جزای نقدی در جرایم

تعزیری و بازدارنده به هر میزانی که باشد، قابل تعلیق است. با وجود این، به موجب ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی، در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد، دیگر جزای نقدی قابل تعلیق نخواهد بود. بدین ترتیب هرگاه مجازات جرم ارتكابی قانوناً حبس توأم با جزای نقدی باشد، حبس مزبور قابل تعلیق است ولی تعلیق جزای نقدی توأم با حبس قابل تعلیق نیست. تنها استثنا در این خصوص، جرم اختلاس است که به موجب تبصره ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، (مصوب ۱۳۶۷) مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، صراحتاً مقرر می دارد:

« هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجرای مجازات حبس را معلق، ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.»

#### ۴- مجازات‌های تکمیلی و تبعی:

محکومیت به مجازات‌های تکمیلی و تبعی، از قبیل تعطیل محل کسب، لغو پروانه و غیره که به ضمیمه مجازات‌های اصلی مورد حکم قرار می گیرند، با احراز شرایط تعلیق قابل تعلیق می باشد. علاوه بر آن، مقنن سال (۱۳۷۵) در ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی، قاضی دادگاه را مجاز دانسته تا با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم، در موقع صدور حکم و در صورت لزوم، از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات‌های تکمیلی حسب مورد استفاده نماید.

#### گفتار سوم؛ آثار تعلیق اجرای مجازات:

تعلیق اجرای مجازات، ارفاقی است برای مجرم و در صورت اجرای مشروط آن در مدت معین، آثار آن "کان لم یکن" خواهد شد. بدین لحاظ باید برای کلیه محکومینی که مجازات آنها معلق شده است، بلافاصله بعد از قطعیت حکم محکومیت، برگ سجل کیفری به نام مجرم تنظیم گردد و به مراجع

صلاحیتدار منعکس گردد.

مهمترین آثار صدور حکم تعلیق عبارتند از:

۱- به محض صدور قرار تعلیق مجازات، اجرای مجازات معلق خواهد شد و در صورتی که مجرم در بازداشت باشد، آزاد خواهد شد.

۲- در مورد محکومیت به جزای نقدی، به محض صدور قرار تعلیق، جزای نقدی موقتاً دریافت نمی شود.

۳- در مورد محکومیت به شلاق تعزیری نیز با صدور قرار تعلیق، اجرای آن موقتاً به تأخیر می افتد ولی در صورت اتمام مدت تعلیق، اجرای آن "کان لم یکن" می گردد.

ادامه دارد ...



#### پی نوشت:

۱- برای اطلاع بیشتر در این باره، به کتاب "حقوق جزای عمومی"، جلد چهارم، دکتر محمد صالح ولیدی، صفحات ۱۹۲ به بعد مراجعه نمایید.